



## ناکارآمدی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر و روان گردان

زهرا پروانه<sup>۱</sup> - زیور جلیلیان<sup>۲</sup> - مجید رستمی بشمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

### چکیده

در خصوص اعمال مجازات اعدام در غیر از موارد منصوص شرعی به لحاظ آثار منفی فراوان بر جامعه و خانواده معدومین به دلایلی منطقی و عقلی و عملی باید حذف شود. ارائه برنامه اصلاح و درمان مناسب برای بزهکار که در عین حال شأن و کرامت انسانی وی را رعایت کرده و برای قرار گرفتن در مسیر درست، کمک و مساعدت لازم را برای وی به همراه داشته باشد و همچنین حمایت اجتماعی از طریق ساختن دوباره وی، یک وظیفه حقیقی برای جامعه محسوب می‌شود؛ بنابراین مفیدترین و مؤثرترین مجازاتی که با چنین ملاحظاتی برای مجرمان پیشنهاد می‌شود این است که زندان توأم با کار جایگزین اعدام شود که در نهایت این پیشنهاد می‌تواند از بی‌خانمانی خانواده بزهکار هم پیشگیری نماید و نگهداری بزهکار می‌تواند به کار توأم با زندان تبدیل شود و اصلاح مجازات محرومیت از آزادی به «اصطلاح همراه با محدودیت» تبدیل شود و از هر گونه توهین و تحقیر متهم و از ایجاد هر گونه محرومیت کامل از ملاقات حضوری وی با نزدیکان خود و مبادله عواطف بین آنان و نیز از هر گونه بیگاری که بدون هدف اصلاحی و فاقد جنبه کسب مهارت است خودداری و بدین وسیله از نابسامانی‌های روانی خانواده محکومین پیشگیری شود.

**واژگان کلیدی:** اعدام، بزهکاری، مواد مخدر، مجازات‌های جایگزین، روان شناسی مجرم و خانواده

<sup>۱</sup>دانش آموخته رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایران، ایلام. (نویسنده مسئول)

parvanezahra1368@gmail.com

<sup>۲</sup>دانش آموخته رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایران، ایلام.

<sup>۳</sup>استادیار، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

## مقدمه

تانن بام در کتاب «جرم اجتماع» نظریه برجسب زنی را مطرح نمود او در سال ۱۹۳۸ نقش اجتماعی را در به وجود آمدن زندگی و شغل افراد مؤثر دانسته است. تانن بام معتقد است به دلیل عدم گذشت جامعه نسبت به انحرافات جزئی به تدریج آن فرد نوجوان در محله برجسب می‌خورد و در دنیایی متفاوت از دیگران سیر می‌کند. چنین نوجوانی به تدریج از گروه متعارف خارج می‌شود و به قول آقای کوهن کم کم مدرسه را ترک کرده و به سمت گروه‌ها یا افرادی هدایت می‌شود که او را قبول دارند یا خود وی به آنها تمایل دارد. در سال ۱۹۶۳ آقای هوارد بیکر<sup>۱</sup> استاد دانشگاه شیکاگو - نظریه تانن بام را روزآمد کرد و تئوری برجسب زنی<sup>۲</sup> یا انگ زنی<sup>۳</sup> یا لکه زنی را ارائه داد. به عبارت دیگر ممکن است عملی که در یک جمع متعارف است برای گروه دیگر انحراف باشد. پیکر معتقد است که رایج‌ترین برداشت از انحراف جنبه آماری دارد یعنی منحرف کسی است که از هنجارهای میانگین جامعه دور شود (فرانک پی، ویلیامز و ماری لین دین، ۱۳۸۹: ۵۶).

اما در نظریه‌ی وابستگی به معنای رابطه احساس عمیق با دیگر افراد، که پیامد پایدار روانی مهم، در تمام دوره‌ها برای فرد باقی می‌گذارد، می‌باشد. این دیدگاه رابطه بسیار نزدیکی با دیدگاه جان‌بالی<sup>۴</sup> دارد. مهم‌ترین یافته بالبی، رشد سلامت ذهنی بود، نوزادان و کودکان باید یک رابطه عمیق و گرم و ادامه‌دار با مادر خود و یا کسی که بتواند نقش مادر را بازی کند تجربه کنند، رابطه‌ای که در آن هر دو نفر احساس رضایت و لذت می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، انسان پس از جدایی با افرادی با وابستگی شدید بدن‌ها دچار اضطراب جدایی و حالات روانی متشنجی گشته که این عدم وابستگی مناسب می‌تواند باعث سقوط وی در ورطه‌ی بزهکاری گردد. در برخی از بررسی‌ها مشخص شده که افرادی که تجربه‌های نامتناسب در

وابستگی دارند احتمال ارتکاب جرمشان بیشتر است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۶۹) و در نظریه فشار مرتون که ایشان بر این باور است که ریشه‌های جرم و انحراف را باید در ساختار جامعه دید. به نظر مرتون در اغلب اوقات امکانات برای دستیابی به موفقیت بر اساس طبقه بندی اجتماعی - اقتصادی قشر بندی می‌شود. احساس فشار در افراد طبقه متوسط به دلیل این که به امکانات آموزشی و مشاغل معتبر دسترسی دارند، محدود است و راه‌های مشروع برای کسب موفقیت عمدتاً بر روی افراد جوان بسته می‌شود. به عبارت دیگر نظریه فشار می‌گوید، افراد ناتوان همان چیزهایی را می‌خواهند که افراد توانمند می‌خواهند ولی آن‌ها هنگامی که در می‌یابند از طریق ابزارهای مشروع نمی‌توانند به اهداف خود نایل شوند، تلاش می‌کنند تا از طریق فعالیت‌های غیر قانونی بدان‌ها دست یابند. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۰۶) به عنوان مثال یک کودک ممکن است نتواند از یک موقعیت بد خانوادگی بگریزد. تمامی این موقعیت‌ها ممکن است به سطوحی از ناامیدی بیانجامد. وقتی این توقف مثبت و اجتناب منفی با یکدیگر ترکیب شدند، نرخ‌های بالاتر خلاف یا انحراف را می‌توان انتظار داشت. (فرانک پی، ویلیامز و ماری لین دین، همان: ۱۲۰) و در نظریه‌ی فنون خنثی سازی دیوید ماتزا<sup>۵</sup> که از سردمداران این نظریه، تلاش می‌کرد که تا به معنا و مفهومی که بزهکار برای کنش خویش دارد دست یابد و رابطه میان باورها و کنش فرد را پیدا کند، زیرا باورها و انگیزه‌ها محرک کنش هستند و بدون فهم باورها، تبیین بزهکاری فاصله بسیاری با واقعیت موجود دارد. در واقع در تبیین بزهکاری باید به واقعیت زندگی و تجربه بزهکار، به همان وضعیتی که در عالم واقع وجود دارد و فرد بزهکار آن را بیان می‌نماید توجه نمود، نه آن که تصویری تحریف شده از واقعیت را از منظر محقق ارائه داد. (احمدی، ۱۳۸۹: ۷۸) ماتزا بر این باور است که در عالم واقع پیشامدهایی برای افراد ممکن است

پیش بیاید که موجب پایین آمدن شئون افراد شود چنین باورهایی از عالم واقع سبب می‌شود تا تقید اخلاقی به نظم قانونی را خنثی ساخته و یک نوع ساخت‌های زبانی را بیاموزند که به وسیله آن قادر باشند رفتار بزهکارانه را توجیه کنند. به اعتقاد ماتزا استفاده از فنون خنثی سازی جوانان، جوانان طبقات پایین را قادر می‌سازد بدون این که احساس تقصیر کنند، خارج از چهار چوب اخلاق و قانون عمل کنند. و در نظریه‌ی کنترل اجتماعی که مهم ترین صاحب نظر رویکرد کنترل اجتماعی، تراوس هیرشی<sup>۶</sup> است. او علت هم نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوندهای اجتماعی<sup>۷</sup> آن‌ها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم ترین علت هم نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج رفتاری است. هیرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع ارتکاب جرایم می‌شود به این شرح توضیح داد:

الف) وابستگی:<sup>۸</sup> داشتن «تعلق خاطر» نسبت به افراد و نهادهایی در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن با جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب جرم و کج رفتاری آزاد بداند.

ب) تعهد:<sup>۹</sup> افراد در هر جامعه وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حُسن شهرت می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره «متعهد» بوده، از کج رفتاری می‌پرهیزند تا موقعیت‌هایی را که به دست آورده‌اند حفظ کنند.

پ) مشارکت:<sup>۱۰</sup> افراد چنان خود را مشغول هم‌نوایی می‌کنند که وقتی برای ارتکاب جرم یا حتی فکر کردن در مورد آن برایشان باقی نمی‌ماند. «درگیر شدن» در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره، همه وقت و انرژی آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و این خود موجب تقویت تعهد می‌شود.

تاریخ مجازات اعدام برای بزهکاران مواد مخدر در کشورمان بیانگر این مطلب است که میزان و روش اجرای این مجازات در سال‌های پس از انقلاب و در دوران جنگ تحمیلی، نوعی واکنش احساسی ناشی از خشم جامعه و نشئت‌گرفته از فضای ملتهب سیاسی و اجتماعی بود. در آن زمان، قاچاقچی مواد مخدر در کنار وابستگان رژیم سابق، همچون «دیگری و غیرخودی» نگریسته و واکنشی سرکوبگرانه را همانند سایر «غیرخودی‌ها» متحمل می‌شد. بنابراین، برای اعمال مجازات اعدام نسبت به قاچاقچیان مواد مخدر، نه تنها مقاومت اجتماعی صورت نمی‌گرفت، بلکه اجرای مجازات در ملأ عام که حاکی از نوعی همراهی اجتماع با نظام عدالت کیفری بود، نیز با استقبال مواجه می‌شد. اما در گذر زمان و با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، دور شدن از فضای انقلاب و جنگ تحمیلی، پیشرفت دولت، تقویت پژوهش‌های علمی و در مجموع با تحوّل ارزش‌های اجتماعی و آرام شدن احساسات اجتماعی، چنین مجازاتی نه تنها از سوی نخبگان بلکه از سوی کارگزاران کیفری و همچنین جامعه مورد تردید قرار گرفت؛ تا آنجا که اعدام از ملأ عام رخت بریست و دور از چشمان جامعه، به پشت دیوارهای زندان منتقل شد. این امر از لحاظ جامعه‌شناختی بسیار مهم و معنادار است. در واقع، نماد عدم همراهی جامعه با مجازات اعدام برای بزهکاران مواد مخدر، همین انتقال مجازات از مکان عمومی به یک محیط بسته است. البته نباید از تأثیر احساسات جامعه امروزی که یک معیار جامعه‌شناسانه در پذیرش یا رد مجازات‌ها است، نیز غافل شد.

مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان گردان با شیوه‌ای که اکنون در حال اجرا است، از بازدارندگی لازم برخوردار نبوده و از آنجا که این مورد (وجود مجازات اعدام در جرائم یاد شده)، به وضوح در چشم قضات و دستگاه قضا ناعادلانه جلوه کرده و سودی در آن دیده نشده است، سیاست جنایی قضایی ایران،

مقدس اجازه می‌دهد، مجازات‌های دیگری را به عنوان جایگزین (از جمله حبس‌های سنگین مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، منع اقامت در یک محل معین یا اجبار به اقامت در یک محل معین و منع اشتغال به برخی مشاغل) در نظر گرفت. بحثی که باید در مجالس دیگر، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

رویکرد فرهنگی به این معناست که انسان‌ها تا چه اندازه توانسته‌اند در برابر مشکلات، راهکارهای مناسب را بکار گیرند. پیشرفت فکری نیز به همان سان است؛ یعنی هرچه یک جامعه و اعضایش قدرت تفکر و علم بیشتری داشته باشند، بهتر می‌توانند به اهدافشان دست یابند (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۳۰۷). روش مبارزه با جرم و انحراف نیز در همین چارچوب قرار دارد. باید به این نکته توجه کرد که پیشرفت فرهنگی و اجتماعی در حوزه ماهیت، شدت و چگونگی اجرای واکنش اجتماعی نسبت به نقض ارزش‌ها، قابلیت طرح در محورهای متعدد و متنوع را دارد. مواردی مانند توجه به نگرش‌های اخلاقی، آگاهی و شناخت نسبت به چرایی وقوع جرم، هم‌زادپنداری نسبت به بزهکاران، توجه به توسعه اجتماع، پیشرفت آموزش دانشگاهی و... از این جمله‌اند. در ادامه به مهم‌ترین عواملی که باعث پیشرفت فرهنگی جامعه در ارتباط با بحث مجازات شدند، اشاره خواهیم کرد. گفتنی است که چنین نگرش‌هایی ابتدا در نخبگان جامعه شکل خواهند گرفت و سپس با توجه به شرایط موجود (ساختار سیاسی مناسب، وجود امکاناتی همچون رسانه و شبکه اجتماعی، وضعیت اقتصادی و...)، به اجتماع منتقل خواهند شد. به عبارت دیگر، ابتدا نخبگان «ارزش‌سازی» می‌کنند و با پذیرش این ارزش‌ها توسط جامعه، آنها به «ارزش اجتماعی» تبدیل می‌شوند و توانایی تأثیرگذاری عمیق و گسترده را پیدا خواهند کرد.

با توجه به نکات اشاره‌شده هدف این تحقیق بررسی ناکارآمدی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و

همیشه از هر راهی که امکان تعدیل این موضوع وجود داشته، وارد عمل شده تا سیاست جنایی تقنینی را در این خصوص با واقعیات اجتماعی وفق دهد. لازم به توضیح است که یکی از مهمترین دلایل عدم بازدارندگی مجازات یاد شده، این است که این مجازات در محیط زندان و دور از ابصار عمومی و مردم صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، در مواردی که قانونگذار، قصد اعمال این مجازات را دارد، باید حداقل آن را به گونه‌ای عملی کرد که بازدارنده باشد، نه اینکه فقط به حذف مجرم همت گماشت و این امر میسر نمی‌شود، مگر اینکه اعمال مجازات یاد شده در مکانی برگزار شود که چشم عبرت بینی نیز در آنجا وجود دارد.

رویکرد جدید قانونگذار نیز به طور کلی، مؤید نتیجه حاصل از این تحقیق است، بدین ترتیب که قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ شمسی که در ماده ۱۹ مجازات‌های تعزیری را مورد شمارش قرار داده و آنها را به ۸ درجه تقسیم نموده است، نامی از مجازات اعدام نمی‌آورد و سنگین‌ترین مجازات آن که به عنوان درجه ۱ شناخته می‌شود، حبس بیش از ۲۵ سال جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد قانونگذار نیز در شیوه کنونی اجرای اعدام، سودی ندیده است و به دنبال بازسازی و تعدیل این مجازات است. بنابراین به نظر می‌رسد از یک سو، مجازات اعدام با شیوه اجرای کنونی آن، در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.

بدین ترتیب، از آنجا که محقق خود نیز مخالف حذف مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان گردان به طور کلی است، از یک سو، در جهت بازدارنده کردن مجازات اعدام در این جرائم (از طریق روش‌هایی که بازدارندگی را افزایش می‌دهد) کوشید و از سوی دیگر، تا حدی که نظام حقوقی کشور و شرع

روان شناختی مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر و روان گردان می باشد.

### مبانی نظری

یکی از رایج ترین مجازات ها از دوران های قدیم اعدام بوده است و نظام های کیفری، با انگیزه های مختلف مذهبی، سیاسی و امنیتی افرادی را که مخالف نظام اجتماعی موجود شناخته اند با مجازات اعدام نابود کرده اند. کیفر اعدام، سالب حیات بوده و شدیدترین مجازاتی است که می توان آن را علیه مجرمین به کار گرفت و در طبقه بندی مجازات ها، در طبقه مجازات های جنایی قرار می گیرد. اجرای مجازات اعدام همواره موافقان و مخالفان بسیاری داشته است. برخی متخصصان حقوق کیفری از این مجازات انتقاد کرده و آن را غیرانسانی و ظالمانه دانسته اند و گروهی دیگر در مقام دفاع از مجازات فوق بر آمده و انتقادات مخالفین را پاسخ گفته اند.

از عالمان حقوق جزا کسانی مانند بتام] و بکاریا با مجازات اعدام موافقتی نداشته اند و آن را جنگ ملت علیه یک شهروند دانسته اند. ایشان عموماً بر این اعتقاد بوده اند که اولاً تن دادن به مجازات مرگ از عموماً بر این اعتقاد قرارداد اجتماعی خارج است. چه آدمی نمی تواند با قراردادی قبلی و حتی به نحو مشروط از حیات خود صرف نظر کند. ثانیاً اثر هول انگیز مجازات متناسب با دوام و طول مدتی است که مثلاً مراسم اعدام انجام می گیرد و سپس به سرعت اثر تهریبی آن از بین می رود، در حالی که در مجازات های حبس مادام که دوران حبس ادامه دارد اثر آن پیوسته مرکوز ذهن و بر سر زبان است و بالاخره مجازات مرگ با روح مذهب مسیح مخالفت دارد. (نورمان، ۱۳۷۳: ۹).

با طرح این انتقادات از سوی مخالفین، طرفداران مجازات اعدام که وجود آن را در نظام کیفری ضروری می دانستند، در مقام پاسخ برآمده و از این مجازات دفاع کردند. حامیان اجرای مجازات اعدام بر این

باورند که تأثیر این مجازات از نظر ارعاب عمومی مجرمین را به هیچ وجه نمی توان انکار کرد. ایشان معتقدند نه تنها در بعضی از کشورها نظیر نروژ، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و آلمان به موجب آمار منتشره پس از الغاء مجازات اعدام تعداد جنایات به وضع خارق العاده افزایش یافته است، بلکه در کشورهایی هم که آمار جنایتشان بعد از لغو اعدام افزایشی نشان نمی دهد، این عدم افزایش به هیچ وجه نتیجه حذف مجازات اعدام نبوده، بلکه غالباً معلول عوامل دیگری نظیر بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و بالا رفتن سطح زندگی عمومی بوده است. علاوه بر این، نقش مجازات اعدام را در حذف جنایان خطرناک از صحنه اجتماعی نمی توان نادیده گرفت. زیرا بسیار دیده شده است که اغلب جنایتکاران پس از این که به خاطر ارتکاب به قتل چندسالی را در زندان مانده و دوباره آزاد شدند مجدداً مرتکب قتل های دیگری گردیده اند. زیرا گذراندن چند سال در زندان، رعب و وحشت اولیه آنان را زائل کرده و برای ارتکاب جنایات بعدی آمادگی بیشتری خواهند یافت. (صلاحی، ۱۳۸۶: ۹۴).

در دوران کنونی، بیشتر کشورهای دنیا، تحت تأثیر افکار بشر دوستانه و مسائل مربوط به حقوق بشر، در دوران کنونی، بیشتر کشورهای دنیا، تحت تأثیر افکار بشر دوستانه و مسائل مربوط به حقوق بشر، مجازات اعدام را از نظام حقوق کیفری خود حذف کرده اند و فقط در مواردی که ارزش های حیاتی و اساسی این کشورها نقض گردد، این مجازات را به عنوان واکنش کیفری در برابر نقض این ارزش ها، در قوانین جزایی خود پیش بینی کرده و علیه مجرمین اعمال می کنند. نکته ای که در پایان این قسمت باید به آن اشاره کرد، آن است که، نحوه اجرای کیفر اعدام باید کاملاً انسانی و عاری از زجر و شکنجه باشد. زیرا به تجربه ثابت شده است که عامل نفرت انگیز مجازات اعدام، فقط طرز اجرای آن است که غالباً توأم با شکنجه و آزاردهنده می باشد و گرنه نفس اعدام، اگر بدون

سوءنیت و خطایی که داشته‌اند از نظر اخلاقی نیز توجیه می‌شود. در این استدلال چون مجرم مرتکب خطا و تقصیر شده، مکافات کردن او صرف نظر از این که موجب اصلاح او شود یا نه، از نظر اخلاقی ضرورت دارد.

نقش اخلاقی مجازات‌ها از قرون وسطی، ابتدا به وسیله نمایندگان کلیسا در کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفت. ولی در عمل به طوری عمال کلیسا در اجرای مجازات نسبت به مجرمین خشونت به خرج داده و سوء استفاده نموده‌اند که جنبه اخلاقی مجازات به کلی فراموش گردیده و اجرای مجازات‌ها به صورت نوعی انتقام جویی و کینه ورزی نسبت به مجرمین درآمد. (صلاحی، همان: ۳۰۷).

با لحاظ این هدف، حصول نتایج دیگری که موجب سودمندی مجازات شود، دارای اهمیت نمی‌باشد. حامیان تأثیر اخلاق و عدالت در مجازات‌ها، معتقدند تنبیه اخلاقی مجرم چیزی است که با واقعیت‌های اجتماعی ارتباط کامل دارد. زیرا عدالت و اخلاق از اصولی هستند که برای حفظ نظام اجتماعی در جوامع بشری اهمیت بسیاری دارند. از جمله کسانی که تحقق عدالت به عنوان یکی از اهداف مجازات را بسیار مورد توجه قرار داده است، امانوئل کانت می‌باشد. کانت حقوقی را پیشنهاد می‌کند که صرفاً بر خواسته‌های عدالت، «بر امر واجب مطلق» دفاع از اخلاق و نه بر فایده اجتماعی استوار باشد. کانت برای به تصویر کشیدن طرز تفکر خود، افسانه اخلاقی جزیره رها شده را تجسم می‌کند: یک جامعه انسانی که آماده ترک جزیره‌ای برای همیشه است، در عین حال به اجرای کیفر اعدام یکی از اعضای خود که مرتکب جنایت شده است، مبادرت می‌کند. عدالت حکم می‌کند که از طرفی، خادمین و نیکوکاران مورد تشویق قرار گیرند و مجرمین و بدکاران تنبیه شوند. و از طرف دیگر، مجازات هر یک از مجرمین را نیز متناسب با جرم او در نظر گرفته و او را نسبت به اهمیت خطایش

شکنته و آزار بدنی باشد هرگز نفرت انگیز نخواهد بود. مضافاً این که موجب پاکسازی جامعه از افراد خطرناک و غیر قابل اصلاح می‌شود و بدین شکل امنیت مردم و جامعه نیز به نحو مطلوبی تأمین می‌گردد.

هدف و فلسفه مجازات مجرمین در طول دورانهای مختلف دچار تحولاتی شده و کیفر بزهکاران در هر عصر و زمان از هدف‌های خاصی پیروی کرده است. حقوقدانان باتوجه به هدفهایی که تحت تأثیر عقاید مکتب کلاسیک برای مجازات در نظر گرفته شده، سه هدف برای مجازات‌ها قائل شده‌اند. این اهداف عبارتند از مکافات دهی یا انتقام، ارباب و تربیت مجدد. این سه هدف، اهداف کلی تمامی مجازات‌ها از جمله مجازات اعدام می‌باشد، با این تفاوت که به جای هدف اصلاح و تربیت مجدد محکوم که قاعداً در مورد مجازات اعدام متنفی به انتفاء موضوع است، هدف طرد و حذف مجرم از جامعه مطرح می‌گردد که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین هدف از اهداف مجازات اعدام که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد، مکافات دهی مجرم است. این هدف که در لسان حقوقدانان با عنوان «هدف اخلاقی» نیز شناخته می‌شود، بیانگر دو اصل مهم و تأثیرگذار بر مجازات‌ها، یعنی عدالت و اخلاق می‌باشد. در کلیه نظام‌های جزایی، مجازات تنها بر اساس فرض تقصیر صورت می‌گیرد. چنانچه عملی ولو خطرناکترین اعمال بدون سوء نیت و خطا انجام پذیرفته باشد مستوجب کیفر نخواهد بود. به همین دلیل است که اشخاصی مثل دیوانگان و کودکان مسئولیت کیفری ندارند و در صورت انجام عمل مجرمانه، مجازات نمی‌شوند. وجود و احراز سوءنیت برای مجرم شناختن یک شخص و مجازات او، ضروری می‌باشد. به همین دلیل است که برای تحقق جرم، علاوه بر دو عنصر قانونی و مادی، وجود عنصر روانی، ضروری تشخیص داده شده است. بر همین اساس امروزه مجازات مجرمین با توجه به

تنبیه کنیم. (صلاحی، پیشین: ۳۰۷). بنابراین هدف مکافات دهی مجازات‌ها بدین گونه توجیه می‌شود که: | اولاً وجود تناسب میان جرم و مجازات ضروری و لازم است. ثانیاً در مجازات هر کس باید درجه تقصیر او را در نظر گرفت. ثالثاً وجود عدالت باعث می‌شود که افراد، اهمیت مجازات خود را در نظر گرفته و از آن منصرف شوند.

بنابراین جامعه‌ای که از طرف مجرمان و خاطیان، با نادیده گرفتن مقررات و قوانین آن مورد هجمه قرار گرفته است به طریق اولی می‌تواند با توسل به مجازات‌هایی همانند اعدام از خود دفاع نماید. دومین هدف مجازات اعدام، هدف ارعابی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین هدف‌هایی که برای مجازات در نظر گرفته شده، آن است که مانع ارتکاب جرم می‌شود. منظور از هدف ارعابی مجازات این است که به وسیله اعمال کیفر نسبت به مجرمین، دیگران و خود مجرم، از ارتکاب جرم جدید صرف نظر کنند. به عقیده بنتام، فیلسوف انگلیسی اگر کیفر به نحوی شدید ولی با اندیشه کامل بر ضرورت آن انتخاب شده باشد، بزهکاران از انجام جرم خودداری می‌کنند. (نوربها، ۱۳۸۸: ۳۰۷). بر همین مبنای فکری است که نظام مجازات‌های ثابت در قوانین مختلف جزایی به وجود آمده است. بدین معنی که مقنن، اعمال مجرمانه را در نظر آورده برای آن دسته که به نظر او خطرناک‌تر است مجازات سنگین‌تر و برای آن دسته که خطر کمتری دارد، مجازات سبک‌تر مقرر داشته است.

حقوقدانان هدف ارعاب را در دو سطح مورد توجه قرار می‌دهند: ارعاب عام (پیشگیری عمومی) و ارعاب خاص (پیشگیری اختصاصی). با توجه به اینکه با اجرای کیفر اعدام، مجرم از صحنه جامعه حذف می‌شود، ارعاب خاص منتفی است و بنابراین تنها جنبه ارعاب عام این مجازات قابل بحث می‌باشد. یکی از دلایل موجود برای وضع و اجرای مجازات‌ها آن است که با ایجاد ترس در توده مردم، مانع می‌شود افراد

دیگر همان جرم را در آینده مرتکب شوند. انسان موجودی است که ذاتاً مستعد ارتکاب جرم است و در صدد رفع حوائج خود می‌باشد. بنابراین باید برای به سلامت زیستن، تهدیدی را نسبت به خود احساس کند و بخشی از این تهدید از طریق مجازات دیگران صورت می‌گیرد، زیرا وقتی مجرم به چنگال عدالت افتاد و مجازات شد دیگران نیز احساس خطر می‌کنند که چنانچه آنها نیز راه نادرست در پیش گیرند به همین سزا خواهند رسید. این هدف مجازات را ارعاب عمومی نامیده‌اند که یکی از اهداف اساسی و اجتماعی می‌باشد. (زراعت، ۱۳۹۳: ۱۱).

از منظر برخی متخصصان حقوق جزا، مجازات اعدام از هر مجازات دیگری برای ارعاب اشخاصی که مقاصد جنایی دارند مؤثرتر است و جامعه را از جنایات جدیدی که محکوم ممکن است مرتکب شود مصون نگه می‌دارد.

مطابق این نظریه که نظریه سودمندی یا فایده گرایی مجازات نامیده می‌شود و بنتام از طرفداران آن است مجازات اعدام با ایجاد رعب و وحشت در افراد دیگر، این فایده را خواهد داشت که آنها دست خود را با ارتکاب جرائم به ویژه جنایت آلوده نسازند. به عبارت دیگر کسی را که اعدام می‌کنند، اصلاح نمی‌کنند، بلکه افراد دیگری را با اعدام جنایتکار اصلاح می‌کنند. (خزانی، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

علی رغم مطلب فوق، تأثیر مجازات اعدام از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم مورد تردید است و این به دلیل آمار جرائم برخی کشورها نظیر اتریش است که پس از لغو اعدام افزایشی در آن مشاهده نشده است. مضافاً اینکه تأثیر کلیه مجازات‌ها از جمله مجازات اعدام از نظر ارعاب عمومی، بستگی کامل به واکنش عمومی توده مردم یک جامعه دارد. پیشگیری عمومی زمانی با ارعاب دیگران حاصل می‌شود که اوضاع اجتماعی و فرهنگی تحقق آن را ممکن سازد به عبارت دیگر این اعتقاد که مجازات درباره عموم مردم یکسان

را تشنه خونریزی می‌کند. غالباً ملاحظه شده است که حیواناتی که اهلی شده‌اند به محض اینکه پنجه‌های خود را بخون آشکاری آلوده می‌کنند یا آنکه خون می‌بینند بنظر می‌رسد که دوباره وحشی می‌شوند و تا حدی این مسئله در انسان نیز صدق می‌کند. یعنی مادام که می‌بیند سرهمنوعش از بدن جدا شد لرزه بر اندامش وارد می‌شود، ولی وقتی این منظره را مکرر مشاهده نمود دیگر کم کم عادت می‌کند و در خود این حس مسری آدم کشی ملاحظه می‌کند و مثل آنست که در یک حالت وحشیانه واقع می‌شود و اگر او را کوچکترین تحریکی بنمایند ممکن است خود شخصاً مرتکب خونریزی شود.

این تجربه مکرر بعمل آمده که پس از اجرای مجازات اعدام اشخاصی بجان هم افتاده و با کتک کاری و فحش و ناسزا یکدیگر را مضروب نموده‌اند. در زمانی که نزاع‌های داخلی یا جنگ‌های داخلی واقع می‌شود دیده شده است که مشاهده خون عطش و میل به خونریزی را زیاده‌تر کرده است. بهترین شاهد این مدعی انقلاب فرانسه و جنگ‌های داخلی آمریکای شمالی است که همه بجان هم افتاده بودند و هر روزه اخباری می‌رسید که به هیچ وجه ارزشی برای حیات انسان قائل نبودند و حتی نزدیک‌ترین اقوام متوالیه یکدیگر را نابود می‌کردند. (امیر علایی، ۱۳۵۷: ۱۲۴ - ۱۲۵).

اثر سوء دیگری که اجرای مجازات اعدام در اشخاص باقی می‌گذارد این است که از راه دور برای ملاحظه دست و پا زدن مجرمی حاضر می‌شوند که آخرین حرکات او را ببینند. مطمئناً دیدن این منظره آثار بسیار ناگواری در روحیه آنان باقی می‌گذارد که در انحراف اخلاقی افراد مؤثر است.

یکی دیگر از آثار سوء روحی که از نظر مخالفان در افراد باقی می‌ماند این است که احياناً مجازات در قانون باقی باشد بدون اینکه اجرا شود و این مسئله از احترام قانون خواهد کاست. مادام که قانونی وجود

به اجرا در می‌آید و جامعه از خطای هیچ کس بی دلیل‌های سوء مردمان نخواهد داشت، بلکه تبعیض اجتماعی، آنان را به درستی اعمال مجرمانه خود قانع خواهد کرد.

یکی از اهداف دیگر کیفر اعدام، طرد مجرم از جامعه است. مجرمانی که اقدامات اصلاحی در مورد آنها بی نتیجه مانده و بزه‌کارانی که علیه ارزش‌های حیاتی یک جامعه مرتکب جرم می‌شوند، حذف و طرد آنها از جامعه ضرورت می‌یابد و مجازات اعدام، ابزاری است که این امر را محقق می‌کند. حامیان مجازات اعدام معتقدند به فرض آن که از نظر فلسفی، مشروع بودن اعدام مورد تردید قرار گیرد، این مجازات به عنوان سیاستی اجتناب ناپذیر به منظور حراست جامعه و حفظ نظم اجتماعی لازم است. براساس این مقدمه چنین نتیجه می‌گیرند که چون اعدام تنها وسیله طرد کامل مجرم است بنابراین هنگامی که نظم عمومی به سبب وقوع بعضی از جرم‌ها که خطر خاصی دارد تهدید می‌شود وجود اعدام لااقل به طور موقت امری است لازم. این نظر کم و بیش مشتق از اندیشه‌ای است که بر اصل خطرناک بودن و اصلاح ناپذیری بعضی از مجرمان متکی است. بدین ترتیب مجازات اعدام در رأس اقدامات تأمینی طرد کننده مجرم قرار می‌گیرد. برخی از صاحب نظران با این استدلال، «طرد دیوسیرتان اجتماع» را توجیه می‌کنند. این استدلال که جنبه فایده‌ی امر را در نظر دارد گاهی با استدلالی دیگر توأم است: بر طبق نظر اخیر دولت حق دارد مقررات اجتماعی را به شیوه‌های غیر قابل انعطاف بر افراد تحمیل کند. (آنسل، ۱۳۵۱: ۱۳۳).

#### آثار سوء اعدام بر روحیه مردم

یکی از مواردی که توسط مخالفان اعدام مطرح می‌گردد، آثار سوء این مجازات بر روحیه مردم می‌باشد. مخالفین عقیده دارند نظاره خونی که جاری می‌شود حس خونخواری بشر را تحریک می‌نماید و او



دارد و نسخ نشده است اگر به صحت آن و ملایم بودنش با طبع جامعه اعتقاد داریم بایستی اجرا شود ولی اگر قانون با افکار و اخلاق عمومی تطبیق نمی‌کند بهتر آنست که نسخ گردد. قانونی که اجرا شود مورد تحقیر جامعه قرار خواهد گرفت. همچنین مخالفان عقیده دارند معمولاً اجرای مجازات اعدام نظریه وعقیده عمومی را بنفع متهم راجع به جنایتی که اتفاق افتاده است تغییر می‌دهد و نوعی حس احترام یا حس ترحم و بعضی اوقات حس انتقام خونین ایجاد می‌نماید. به محض اینکه مجرمی بمرگ محکوم شد غالباً اتفاق می‌افتد که توده مردم جنایت وحشتناکی که واقع شده است فراموش می‌کنند و افکار متوجه شخص مقصر می‌شود. به اصطلاح جنایت در تاریکی گذارده می‌شود و شخص مجرم موضوع عمده هر فکری واقع می‌گردد. (امیرعلایی، همان: ۱۲۵).

نتیجه‌ای که مخالفان در این زمینه بیان کرده‌اند این است که الغاء مجازات اعدام این مزیت را دارد که علاقه زیادی که از طرف مردم ابراز و متوجه شخص مقصر می‌شود از بین می‌رود. این علاقه و توجه این معنی را در اذهان عمومی ایجاد می‌کند که مقصر به مجازات شدیدی بیش از حد اعتدال محکوم شده است، و بر عکس ملاحظه می‌شود که هیچکس علاقه نسبت به وضعیت محکومین به حبس موقت با اعمال شاقه یا حبس ابد ابراز نمی‌دارد. زیرا هر کس فکر می‌کند که مقصر شایستگی تحمل عذابی را که قانون درباره او مقرر داشته است دارد و در این صورت اگر برای قتل هم همین مجازات راقائل شویم همه فکر می‌کنند که عدالت کاملاً اجرا شده است و به هیچ وجه متوجه شخص مقصر نمی‌شوند، بلکه همیشه به اهمیت جنایت و عمل زشت مقصر فکر می‌نمایند. (مسائلی، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۴).

#### ناکارآمدی مجازات اعدام

سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه تعیین کیفر اعدام برای جرائم مواد مخدر، تحولات مختلفی را

پشت سر گذاشته است. تا سال ۱۲۹۰ هجری شمسی، مواد مخدر تابع نظم حقوقی نبود و به عنوان کالای مجاز همانند هر کالای مجاز دیگر مورد خرید و فروش و مصرف قرار می‌گرفت. از سال ۱۲۸۹ دولت به فکر نظم بخشیدن به کشت و مصرف مواد مخدر افتاد. قوانین مصوب، در ابتدا فقط به نحوه کشت مواد مخدر و توزیع آن در میان مردم پرداخته‌اند و در واقع هدف این قوانین ایجاد زمینه‌ای جدید برای گرفتن مالیات از مردم بود، اما با گسترش اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ایران در دهه ۱۹۶۰ و فشاری که از طرف جامعه داخلی و مراجع بین المللی به دولت وارد شد، دولت ایران را به اتخاذ سیاست جنایی شدیدتری در مقابل قاچاق مواد مخدر واداشت (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۴۹ - ۱۵۰). بنابراین، قانونگذار در طول سال‌های گذشته همواره با شدت مجازات خواسته است که به اهداف خود برسد. (ساک، ۱۳۸۰: ۱۸۰). و قصد داشته که با ایجاد رعب و وحشت در دل قاچاقچیان مواد مخدر، ریشه آن را در کشور بخشکاند؛ اما فراموش کرده است که جرم مواد مخدر یکی از جرائم بین المللی و جهانی شده است و مهار آن تنها با اعمال مجازات‌های سنگین ممکن نیست.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ به طور دائم بر تعداد مجرمان افزوده شده است که حکایت از فقدان تأثیر بازدارندگی عام کیفر اعدام دارد. از جهتی دیگر نیز می‌توان به ارزیابی جنبه بازدارندگی عام الین کیفر پرداخت و آن اینکه نه تنها بر تعداد مجرمان جرائم مواد مخدر به ترتیب پیشین افزوده شده است، بلکه بر میزان جرائم ارتكابی و حجم آن نیز افزوده شده است.

بر اساس آمار، مجموع انواع مواد کشف شده توسط ناجا در استان‌های کشور در سال ۱۳۷۰، ۳۹۷۶۲ کیلوگرم و در سال ۱۳۷۱، ۶۵۹۴۲ کیلوگرم و در سال ۱۳۷۲، ۹۰۱۰۳ کیلوگرم بوده است. (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۴).

مه‌ار قاچاق مواد مخدر نیاز دارد. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۶۱).

با توجه به اینکه وضعیت اعدام در ایران اصلاً مطلوب نیست و اگر قرار بود تمام پرونده‌هایی که مطابق قانون حکم دارند، منجر به اجرای حکم می‌شد، سالانه ده‌ها هزار مورد اعدام داشتیم و اگر جرایمی که مطابق قانون مجازات آنها اعدام است، تماماً کشف و رسیدگی شود، این رقم شاید به ارقام بسیار وحشتناکی بالغ می‌شد و در واقع بخش اعظم این جرائم کشف نمی‌شود و آنها هم که کشف می‌شود به ویژه در موارد مخدر با تخفیف مواجه می‌شود، با وجود این هنوز هم تعداد اعدام‌ها در ایران بسیار بالا است. گرچه دلایل متعددی برای اعدام ارائه می‌شود، اما مهم‌ترین آن، که معمولاً و مکرراً بیان می‌شود، نقش بازدارندگی آن است به عبارت دیگر قانونگذار یا جامعه فکر می‌کند که با افزایش هزینه ارتکاب جرم، مانع از انجام آن خواهد شد، اما واقعیت چیز دیگری است. مجازات شرط لازم و نه کافی برای شرط جرم است.

ضمن اینکه اگر از حد معینی بیشتر شود، ممکن است در برخی موارد نقش بازدارندگی خود را از دست بدهد، به علاوه با افزایش مجازات، در برخی جرائم، منافع ارتکاب جرم هم بیشتر و در نتیجه رغبت به آن افزون‌تر می‌شود و از همه اینها گذشته مطالعات تجربی نشان داده است که مجازات اعدام چندان هم مانع از افزایش ارتکاب جرم نیست و مجازات‌های اجرا شده در زمینه مواد مخدر نمونه روشن آن است. شاید تحریک به افزایش مجازات برای از میان بردن نابسامانی‌ها در برخی جوامع، راه مناسبی برای ایجاد آرامش خاطر و کسب نظر موافق مردم به سوی خود باشد، اما در واقعیت امر چنین روشی کارآمد نیست. اگر گرانی را نمی‌توان با مجازات یا کشتن گران فروش از میان برد. قطعاً مواد مخدر و زنا و سایر جرائم مستوجب این مجازات را هم نمی‌توان صرفاً با اعدام از میان برد. به نظر می‌رسد که بازنگری در سیاست

بدین ترتیب آمار نشان می‌دهد که تعیین و اجرای مجازات اعدام تأثیر بسزایی در کاهش جرائم مواد مخدر نداشته است (ساک، همان: ۱۸۶). قاچاقچیان مواد مخدر به اعدام به عنوان خطر شغل خود می‌نگرند که تنها اثر آن بالا بردن نرخ فعالیت آنها است، (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲: ۵). نه مجازاتی که آنها را از ارتکاب جرم باز دارد. با اجرای حکم اعدام، باندهای قاچاق از بین نمی‌رود بلکه فقط فرد مجرم حذف می‌شود و با حذف وی، فرد دیگری جایگزین او می‌شود.

این نکته را نیز باید اضافه کرد که از مجموع بندهای ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹، استنباط می‌شود که مجازات اعدام در مورد جرائم خرید، حمل، نگهداری و اختفای هرگز نسبت به کسی که برای بار اول مرتکب جرم شده است اعمال نمی‌شود، حتی اگر میزان مواد مخدر به چند تن برسد. این شیوه قانونگذاری، اشخاص قاچاقچی را وادار می‌کند که در همان مرحله اول، حداکثر مواد مخدر ممکن را قاچاق کنند و اگر تعداد این اشخاص که قصد می‌کنند فقط یکبار به این کار مبادرت کنند زیاد شود، خودبه‌خود حجم مقدار مواد مخدر ورودی به کشور به نحو تصاعدی افزایش خواهد یافت. (ساک، همان: ۸۱ - ۸۲).

بدین سان ماده قانونی یاد شده به جای اینکه وسیله ارعاب قاچاقچیان مواد مخدر باشد، موجبات فرار از مجازات اعدام را فراهم کرده است. بنابراین در عمل نه تنها میزان جرائم مواد مخدر کم نشده است، بلکه سیر صعودی هم داشته است.

بنابراین عدم توفیق الگوی کیفری و کاستی‌های نظریه بازدارندگی مجازات‌ها که در مباحث پیشین به آن اشاره شده است، در این مبحث نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، تشدید مجازات‌ها، باعث انصراف قاچاقچیان نمی‌شود و کشور به یک همبستگی و تلاش همه‌جانبه و منسجم برای

جنایی و کیفری موجود نه تنها، امکان پذیر ضروری است و اتفاقاً این کار را می‌توان با رعایت جوانب شرعی و استفاده از اختیارات حکومت به نحو شایسته‌ای انجام داد و برخی از فتاوی متاخر و گذشته نیز راهگشای آن است و از طرفی در عین حالی که در اسلام مجازات اعدام و به طور کلی قصاص را ضامن بقاء و حیات اجتماع دانسته مع الوصف با وضع قانون اخلاقی (عفو) و صرف نظر کردن از حق قصاص در صورت لزوم و اقتضاء مصلحت عالیتری دست اجتماع را در اخذ تصمیمات مقتضی، باز گذارده تا اگر احیاناً شرایط ایجاب کرد مثلاً حال مجرمی طوری بود که صرف نظر نمودن از اعدام وی او را متنبه و اصلاح و بیماری او را معالجه خواهد کرد او را تبرئه و عفو و به اصطلاح، در مجازات وی تخفیف قائل شوند و از اینجا معلوم می‌شود که دایره مجازات اعدام در اسلام چون ضمیمه عفو را نیز در بر دارد. بنابراین با توجه به دستورات اسلام و ادله مخالفان اعدام می‌توان از جایگزین همچون تبعید و حبس به جای اعدام استفاده کرد.

از سوی دیگر، با نگاهی به قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر و روان گردان، معلوم می‌شود که این قانون، بیش از توجه به اقدامات پیشگیرانه به اقدامات سرکوب گرایانه توجه داشته است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که در اصلاحات بعدی این قانون باید به اقدامات پیشگیرانه، توجه بیشتری مبذول شود.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر هم از نوع کمی با رویکرد توصیفی - تحلیلی می‌باشد. متغیرهای مستقل به کار رفته در پژوهش حاضر، بزهکاری، رفتارهای منحرفانه، استفاده از مواد مخدر و الکل و متغیر وابسته تحقیق نیز اجرای مجازات اعدام عضوی از اعضای خانواده می‌باشد.

روش های تحقیقی متفاوتی در جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی به کار برده می‌شود که یکی از

این روش‌ها مصاحبه با مجرمین است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ی عمیق، حول محور پرسشنامه‌ای از پیش طراحی شده با احدی از اعضای خانواده است که عضوی از آن اعدام گردیده است.

نمونه تحقیق حاضر متشکل از ۱۰۰ خانواده می‌باشد که عضوی از اعضای آن اعدام شده است. مصاحبه با یکی از اعضای خانواده که بعضاً پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و یا فرزندان فرد اعدامی هستند و اعمال مجازات بر عزیزانشان را تجربه کرده‌اند صورت پذیرفته است. هر چند که در این طریق با امکان دستیابی به جامعه آماری از طریق دستگاه قضاء فراهم نبوده، با این وصف دستیابی به جامعه آماری و شناسایی اکثر این افراد از طریق جلب اعتماد اولیه را ایجاد و امکان مصاحبه را فراهم نمودند.

### یافته‌ها و نتایج تحقیق

ما ابتدا به بررسی ویژگی‌های کلی فرد اعدام شده و نیز خانواده‌ی آنها از جمله سن، تعداد افراد خانواده، تعداد محصلین، وضعیت سرپرستی و امرار معاش آنان به منظور شناساندن هر آن چه بهتر ویژگی‌های خانواده‌های اعدامی نامیده می‌شود پرداخته‌ایم.

در این قسمت وضعیت سنی فرد اعدام شده، همسر و فرزندان او در مورد اعدام شدگانی که سرپرست خانواده بوده اند پرداخته‌ایم که بررسی و نتایج در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است. در این مجال پی می‌بریم که حقیقت تا واقعیت فاصله زیادی دارد. در اجتماعی که غنی و فقیر برابر نباشند و حرمت و احترام شخص حفظ نشود و خانواده در رتق و فتق تمامی امور از جمله آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و تأمین نیازهای اولیه اعضای خود ناتوان باشد نمی‌توانیم شاهد تعالی اخلاقی و تقویت روح عرفانی و ارضای حس معنویت گرایی انسان باشیم.

جدول ۱: توزیع فراوانی سن فرد اعدامی، همسر و فرزندان

سن	فراوانی	درصد
بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۱۵	۱۵
بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۴۵	۴۵
بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۴۰	۴۰
مجموع	۱۰۰	۱۰۰
بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۱۵	۱۴
بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۵۷	۵۷
بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۲۹	۲۹
مجموع	۱۰۰	۱۰۰
کمتر از ۱۰ سال	۳۶	۳۶
بین ۱۰ تا ۲۰ سال	۴۴	۴۳
بالاتر از ۲۰ سال	۲۰	۲۱
مجموع	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد اکثر افراد اعدامی و همچنین همسران آنها بین سنین ۳۰ تا ۴۰ سال بوده و بیشترین فراوانی فرزندان در سن از کمتر ۱۰ تا ۲۰ سال می‌باشد. با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت میانگین سن فرد اعدامی ۳۸ سال، میانگین سن همسران فرد اعدامی ۳۲ سال و میانگین سن فرزندان آنها ۱۳ سال می‌باشد.

در این قسمت، وضعیت سرپرستی یا عدم سرپرستی فرد اعدامی بر خانواده‌ی او مشخص می‌گردد که نتایج در جدول توزیع فراوانی (۱۰۰) ارائه شده است.

جدول شماره ۲: فراوانی سرپرستی خانواده توسط فرد اعدامی

افراد اعدامی	فراوانی	درصد
سرپرست خانواده	۸۵	۸۵
عدم سرپرستی خانواده	۱۵	۱۵
کل	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۳: وضعیت تعداد فرزندان

تعداد فرزندان اعدام شدگان	تعداد
یک فرزند	۱۲
دو فرزند	۳۱
سه فرزند	۳۸
چهار فرزند	۱۹
کل	۱۰۰
میانگین	۲،۷۵

با توجه به نتایج، مشخص می‌گردد که از مجموع ۱۰۰ نفر اعدامی متاهل ۱۲ نفر دارای ۱ فرزند، ۳۱ نفر دارای ۲ فرزند، ۳۸ نفر دارای ۳ فرزند و ۱۹ نفر دارای ۴ فرزند می‌باشند. و به طور میانگین می‌توان بیان کرد که اعدام شدگان حدوداً دارای ۲ الی ۳ فرزند بوده اند.

در این قسمت وضعیت تحصیلی و تعداد محصلین در خانواده را بررسی و نتایج آن در جدول شماره ۴ نمایش داده می‌شود.

جدول ۴: بررسی تعداد محصلین در خانواده

اعضاء خانواده	فراوانی	درصد
محصل	۳۹	۳۹
غیر محصل	۶۱	۶۱
مجموع	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی تعداد اعضاء محصل در خانواده را نشان می‌دهد، با توجه به جدول مشخص می‌شود که از مجموع ۱۰۰ نفر اعضاء خانواده‌های اعدامی ۳۹ نفر (۳۹ درصد) مشغول به تحصیل هستند. لازم به ذکر است که منظور از محصلین، مشغولین به تحصیل در همه‌ی مقاطع مدارس و دانشگاهی می‌باشد.

با توجه به مواردی که در جداول نشان داده شد و نیز موارد دیگری که امکان قرارگیری آنان در جداول وجود نداشت، می‌توان این گونه بیان نمود که اکثر افراد اعدامی جوان و متاهل بوده حدوداً دارای ۲ الی ۳ فرزند بوده‌اند. اکثر اعدام‌ها در مورد مواد مخدر بوده است. با توجه به سن و وضعیت تاهل و میزان تحصیلات افراد اعدامی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که شاید علت اکثر جرم‌های ارتكابی توسط اعدامیان به دلیل شرایط سخت اقتصادی و تامین نیازهای خانواده، نداشتن سواد و مهارت، فرهنگ پایین خانواده‌ها و مکان زندگی که اکثر مصاحبه شونده‌ها بیان می‌کردند که در مناطق پایین شهر زندگی می‌کنند، بوده است.

فرزندان اکثراً بین ۱۰ تا ۲۰ سال، یعنی بحرانی ترین سن و یا بعضاً در سن بلوغ قرارداشتند که وقوع این اتفاق در زندگی آنان در این سنین بسیار خطرناک و دارای تبعات اجتماعی زیادی از جمله گرایش به مواد مخدر و روانگردان، افت شدید تحصیل و یا ترک

تحصیل آنان، گرایش به بزهکاری و ... می‌باشد. اکثر همسران اعدامیان در سن ۳۰ تا ۴۰ سال بوده که مسئله‌ی بیوه شدن آنان بسیار با اهمیت می‌باشد. این زنان گروه بزه‌دیده‌ی جدیدی می‌باشند که پس از اعدام همسر، علی‌رغم تحمل درد و رنج از دست دادن عزیز خود و رو به رو شدن با مشکلات اجتماعی از قبیل ننگی که به آنان خورده، وظیفه‌ی تأمین درآمد، نگهداری از فرزندان، تهیه‌ی مسکن و ... را به تنهایی بر دوش می‌کشند. با توجه به یافته‌های بدست آمده از خانواده‌های اعدامی، متغییر افت و ترک تحصیل، ارتكاب بزه، استعمال مواد مخدر و الكل اعضاء خانواده‌های اعدامی پس از اعدام عضوی از خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### بند اول: افت و ترک تحصیل

نتایج یافته‌ها در مورد میزان افرادی که ترک تحصیل نموده و یا افت شدید تحصیلی داشته‌اند در جدول شماره‌ی (۵) نشان داده می‌شود. ۳۷ نفر از اعضاء خانواده محصل بوده که از مجموع این تعداد، ۲۷ نفر آنان (۷۷ درصد) با افت تحصیلی و ۸ نفر آنان (۲۳ درصد) با ترک تحصیل مواجه شده‌اند.

جدول ۵: وضعیت تحصیلی اعضاء خانواده‌ی اعدامی

وضعیت تحصیل اعضاء، محصل خانواده پس از اعدام	فراوانی	درصد
افت تحصیلی	۲۷	۷۷
ترک تحصیل	۲۳	۲۳
کل	۱۰۰	۱۰۰

#### بند دوم: گرایش به ارتكاب بزهکاری

در این قسمت تاثیر اعدام بر گرایش به بزهکاری اعضاء خانواده‌ی اعدامی قبل و بعد از اعدام را بررسی و نتایج در جدول توزیع شماره ۶ ارائه می‌گردد.

جدول ۶: توزیع فراوانی تاثیر اعدام بر بزهکاری اعضا خانواده ی اعدامی

سابقه ی کیفی	فراوانی	درصد
سابقه کیفی اعضا خانواده پیش از اعدام	۲۷	۲۷
سابقه کیفی اعضا خانواده پس از اعدام	۷۳	۷۳
کل	۱۰۰	۱۰۰

شده اند و گرایش به ارتکاب آن جرم از سایر جرایم بیشتر بوده و بعد از آن گرایش به ارتکاب جرایم جنسی و اخلاقی دارای بیشترین فراوانی و ارتکاب جرایم نامشابه با فرد اعدامی از کمترین فراوانی برخوردار بوده است.

#### بند سوم: استعمال مواد مخدر

در این قسمت، میزان استفاده از مواد مخدر و الکل قبل و بعد از اعدام توسط اعضای خانواده‌های اعدامی نشان داده می‌شود که نتایج در جدول توزیع فراوانی (۸) ارائه گردیده است.

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود استفاده‌ی افراد از مواد مخدر و الکل پس از اعدام یکی از اعضا خانواده (۳۶ درصد) افزایش یافته است.

جدول ۸: توزیع فراوانی استعمال مواد مخدر و الکل اعضای خانواده‌ی اعدامی

استعمال مواد مخدر و الکل	فراوانی	درصد نسبت به کل اعضا
قبل از اعدام	۳۸	۳۸
بعد از اعدام	۶۲	۶۲
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰

#### بحث و بررسی یافته‌ها

باتوجه به نتایج به دست آمده از یافته‌های فوق مشخص شد که میزان بزهکار و که میزان بزهکاری و ارتکاب جرایم در افرادی که عضوی از خانواده‌ی آنان اعدام شده است، پس از اعدام افزایش می‌یابد. می‌توان علل افزایش میزان ارتکاب جرایم را مطابق نظریه‌های جرم شناسی که در قسمت مبانی نظری بیان گردید، مورد بررسی قرار داد. چنانچه مطابق نظریه‌ی برچسب زنی بیان گردید، افراد به دلیل رفتارهای منحرفانه و مجرمانه‌ی خود، برچسب مجرمیت خورده و به تبع آن، شخصیت آن‌ها به همین نحو شکل گرفته و مجبور به عضویت در گروه‌های مجرمانه می‌شوند که این

با توجه به جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود ۲۷ نفر (۲۷ درصد) افراد خانواده‌ی اعدامی دارای سابقه کیفی قبل از اعدام و ۷۳ نفر (۷۳ درصد) از اعضا خانواده‌ی اعدامی پس از اجرای مجازات اعدام مرتکب جرم شده‌اند.

به منظور روشن‌تر شدن موضوع بزهکاری اعضا خانواده‌ی اعدامی، بررسی نوع بزه ارتکابی از جانب آن‌ها بی‌فایده نمی‌باشد. در این قسمت، نوع بزهکاری ارتکابی توسط اعضای خانواده‌های اعدامی نشان داده می‌شود. این جرایم را با توجه به میزان فراوانی آن‌ها به سه دسته تقسیم بندی گردیده است که نتایج در جدول توزیع فراوانی شماره ۷ ارائه می‌شود.

جدول ۷: توزیع فراوانی نوع بزه ارتکابی اعضا خانواده ی اعدامی

نوع بزهکاری	فراوانی	درصد
جرم مشابه با فرد اعدامی	۴۴	۴۴
جرم نامشابه با فرد اعدامی	۲۲	۲۲
جرایم جنسی و اخلاقی	۳۴	۳۴
کل	۱۰۰	۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود ۴۴ نفر (۴۴ درصد) از اعضا خانواده‌ی اعدامی جرمی مشابه جرم فرد اعدام شده انجام داده و راه او را ادامه داده‌اند. ۲۲ نفر (۲۲ درصد) جرمی نامشابه با فرد اعدامی مرتکب شده و ۳۴ نفر (۳۴ درصد) مرتکب جرایم جنسی و اخلاقی شده‌اند. بیشتر اعضای خانواده‌ی اعدامی پس از اجرای مجازات، همان جرم فرد اعدام شده را مرتکب

موضوع برای اعضای خانواده‌های اعدامی حالت وخیم‌تری پیدا می‌کند زمانی که افراد، بدون ارتکاب هیچ گونه جرم و تخلفی و فقط به دلیل وابستگی به فرد اعدامی برچسب مجرمانه می‌خورند و به همین سبب و یا به عنوان طعمه از آنان برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گیرند. می‌توان انتظار داشت که این افراد در معرض ارتکاب جرم قرار گیرند.

مطابق نظریه‌ی وابستگی اعضاء خانواده‌های اعدامی، به دلیل ارتباط نزدیکی با فرد اعدامی دارند پس از اعدام به سبب جدایی از او (فردی با وابستگی شدید) وارد مرحله‌ی جدیدی از زندگی شده که احتمال ارتکاب جرم و کج روی در آنها افزایش پیدا می‌کند.

و مطابق نظریه‌ی فشار مرتون، هرگاه اعضای خانواده اعدامی از نظر مالی در فشار اقتصادی قرار گیرند و این فشار مالی به سبب از دست دادن سرپرست خانواده و یا فردی که قبلاً امرار معاش را بر عهده داشته است باشد آنان برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود با مانع روبرو شده و به منظور دستیابی به اهداف راه مشروعی نیابند، ارزش‌ها را زیر پا گذاشته و برای نیل به خواسته‌های خویش، دست به ارتکاب هر کاری از جمله‌ی جرم و بزهکاری می‌زنند.

از دیدگاه نظریه‌ی فنون خنثی سازی، افراد خانواده های اعدامی، به دلیل اینکه در عالم واقع جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهند و این باور در آنان سبب شده تا تقید اخلاقی نسبت به نظم و انضباط اجتماعی و مقررات قانونی خنثی گردد و به سمت رفتارهای بزهکارانه کشیده شده و آن رفتارها را در نظر خود موجه پندارند.

مطابق نظریه‌ی کنترل اجتماعی اعضاء خانواده های اعدامی به دلیل اعدام عضوی از خانواده به دست دولت و جامعه پیوند میان آنها از بین رفته و این موضوع می‌تواند سبب گرایش به ارتکاب بزه و انتقام گیری در افراد از جامعه گردد. این مسئله در مورد

کودکان حالت وخیم تری پیدا می‌کند. کودکان ممکن است دریابند که از پدر یا مادرشان عمل اشتباهی سر زده و بایستی مسئولیت آن را قبول کرده، ولی نتوانند برنامه ریزی دولت برای کشتن پدر یا مادرشان را درک کنند. آن‌ها ممکن است اختیارات دولت را نفی کنند، حس وفاداری شخصی به دولت را نیز از دست بدهند. (ایور رابرتسن و راشل برت، ۲۰۱۳)

گرچه مطابق نظریه‌ی تقلید و یادگیری به دلیل ارتباط نزدیک اعضاء خانواده با فرد اعدامی قبح رفتار مجرمانه‌ی نزد سایر اعضاء از بین رفته و در ذهن آنان به صورت رفتار متعارف نقش بسته است؛ لذا تقلید از رفتارهای منحرفانه‌ای که برای او امر عجیبی نبوده و مشروع جلوه کند.

مطابق یافته‌های به دست آمده بیشترین فراوانی جرایم ارتكابی توسط اعضای خانواده‌های اعدامی متعلق به جرایم مشابه با جرم فرد اعدامی می‌باشد. در ارتباط با گرایش اعضاء خانواده به ارتکاب بزه مشابه با بزه فرد اعدام شده، باید اذعان داشت که اعدام مجرمین در پیشگیری از ارتکاب جرایم آنان از سوی دیگر اعضاء خانواده، تاثیر بسیار کمی داشته و در عدم اثر بخشی مجازات اعدام همین نکته کفایت می‌کند. به طور مثال در جرایم مواد مخدر که نسبت قابل ملاحظه‌ای از اعدام های صورت گرفته در کشور ما مربوط به این جرایم بوده است، غالب متهمین مواد مخدر دارای اطراف و نزدیکانی بوده‌اند که در زمینه مواد مخدر فعالیت داشته و بعضاً اعدام شده‌اند و یا دارای محکومیت بوده و یا در حال سپری کردن دوران محکومیت هستند. نتیجه‌ای که از این موضوع می‌توان گرفت این است که اکثر مجرمین مواد مخدر همان هایی هستند که عضوی از خانواده‌ی آن‌ها به سبب ارتکاب این جرم محکوم و یا اعدام شده است حتی برخی از آنان خود شاهد اجرای مجازات اعدام عزیزشان بوده و در آن لحظه هم متاثر شده‌اند ولی با این وجود همان راه محکوم و یا فرد اعدامی را ادامه

ازدواجی صورت گرفته، همراه با ترس و دلهره از فاش شدن موضوع اعدام می‌باشد.

براساس تحقیقات به عمل آمده میزان استفاده از مواد مخدر در اعضای خانواده‌های اعدامی پس از اعدام افزایش چشم گیری می‌یابد اعضای خانواده اعدامی پس از اجرای مجازات به دلیل ابتلاء به بیماری‌های شدید روحی و روانی در پی یافتن نقطه امنی می‌باشند. در واقع آثار و عوارض برگشت ناپذیر اعدام در زمینه‌های روحی و عاطفی و تربیتی و اقتصادی بر بازماندگان مجرم تحمیل می‌شود در حالی که آنان در ارتکاب جرم نقشی نداشته و اگر افراد بزرگ مقدار نقشی هم داشته اند، اطفال معصوم این قبیل محکومان به گناه ناکرده مجازات می‌شوند.

گرایش به موادی که بتواند آن‌ها را از درد و رنج و واقعیت اعدام عزیزشان رها کند. در کشور ما، استفاده از مواد مخدر آسان‌ترین و سریع‌ترین راه برای فراموشی آلام این افراد می‌باشد و غافل از اینکه این راه مقطعی و خود مخرب و به وجود آورنده مشکلات دیگر می‌باشد. زن یا مردی که همسرش اعدام شده، پس از این اتفاق، وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شوند. احساس تنهایی و از دست دادن همدم از یک طرف و فشارهای زندگی و نگهداری از فرزندان از طرف دیگر باعث می‌شود که برای کاهش این فشار به هر کاری دست زنند از جمله روی آوردن به مواد مخدر و الکلیسم (سوزان شارپ، ۲۰۰۵: ۴۷۳) علاوه بر همسران برای تمام اعضای خانواده گرایش به ماده یا موادی که از فشارهای روانی آن‌ها بکاهد، به وجود می‌آید.

میزان ترک تحصیل و افت شدید تحصیلی پس از اعدام در اعضاء محصل خانواده‌ها نسبت به قبل از آن افزایش زیادی یافته بود. مسئله‌ی ترک تحصیل را به عنوان رفتار منحرفانه و حالت خطرناک در افراد می‌توان در نظر گرفت چرا که تبعات زیادی از جمله تکدی‌گری، شروع اشتغال در سن پایین، قرارگیری در

می‌دهند. این مسئله بازدارندگی اعدام را به طور کامل زیر سوال می‌برد زیرا چنانچه مجازاتی دارای اثر بازدارندگی داشته باشد قاعدتاً می‌بایست حداقل بر روی افراد نزدیک به مجرمان و اعدام شدگان بیشترین تأثیر را داشته باشد که متأسفانه چنین نبوده است.

در چنین وضعیتی می‌توان پی برد که از نظر روان‌شناختی وضعیت قابل بررسی است زیرا پس از ارتکاب جرایم مشابه فرد اعدامی، بیشترین فراوانی جرایم ارتكابی توسط اعضاء را جرایم جنسی و اخلاقی تشکیل می‌دهد. در ارتباط با علل گرایش اعضای خانواده‌ی اعدامی به ارتکاب جرایم جنسی بایستی به این مسائل توجه کرد که در سالیان اولیه پس از اعدام، تمایل به روابط نامشروع وجود دارد و علت آن هم از دیدگاه روان‌شناختی نیاز طبیعی انسان به ارضاء غریزه جنسی است و این قبیل روابط موجب کاستن از آلام انسان می‌گردد.

وضعیت در مورد افرادی که همسرانشان اعدام شده اند، بخاطر محرومیت فرد از داشتن رابطه جنسی مشروع، مقداری متفاوت است زیرا در سال‌های اولیه هنوز فرصت کافی برای پذیرش موقعیت جدید خود پیدا نکرده‌اند و فشارهای ناشی از انگیزه جنسی آن‌ها را در حالتی بحرانی و استرس زا قرار داده که این امر باعث می‌شود نسبت به برقراری این گونه روابط نگرش مثبت تری پیدا کنند.

نباید از یاد ببریم که مسئله بیوه شدن زنان جوان از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا تعداد اعدامیان مرد بسیار بیشتر از زنان بوده و بیوه شدن زنان جوانی که بی سرپرست و بی پناه و اغلب بدون درآمد هستند، تبعات اجتماعی مخرب‌تری را به دنبال دارد. و حتی این موضوع در روند ازدواج دختران بیش از پسرها نمود پیدا می‌کند. فرزندان، خواهر و برادر فرد اعدامی به سبب ویژگی که خانواده ایشان دارد موفق به تشکیل زندگی مشترک نمی‌شوند و در خیلی از موارد که



گروه های منحرفانه و.... دارد. دلیل بالا بودن این وضعیت در خانواده های اعدامی نسبت به دیگر خانواده ها، می تواند ناشی از عدم توانایی تمرکز و تداوم آن به سبب مشکلات روحی و روانی که اعضاء این قبیل خانواده ها بدان مبتلا می گردند، می باشد. در دوران دیرستان اعدام یا زندانی شدن طولانی مدت یکی از اعضای خانواده می تواند در زمینه های بهره هوشی، کسب رتبه های بالای تحصیلی و امتیازات آموزشی تأثیر گذار باشد.

### نتیجه گیری

مجازات اعدام در حوزه جرایم مواد مخدر سال های متمادی است که به عنوان یک معمای پیچیده، نظام عدالت کیفری و پژوهشگران این حوزه را به خود مشغول کرده است. تحلیل ها و اندیشه های گوناگون در مورد چنین مجازاتی از ابتدای ظهور آن تاکنون وجود داشته اند. با وجود مباحث و نزاع های بی شمار در ارتباط با مبنای فلسفی و توجیه مجازات اعدام بزهکاران مواد مخدر، از منظر برخی از مسئولان و پژوهشگران همه امیدها بر باد رفته است. افزون بر افزایش انتقادات به مبنای توجیه کننده اعدام، اهداف کیفرشناسانه ای که با چنین مجازاتی دنبال می شده، همچون سرابی بیش نبوده است. نتایج به هیچ وجه با آنچه انتظار می رفت، سازگار نیست. نه اعدام علنی در سال های پس از انقلاب و دوران جنگ تحمیلی توقعات را برآورده کرد و نه اعدام های درون زندان قاچاق را کاهش داده است. چگونه می توان چنین مسئله غامضی را توجیه کرد؟ به نظر می رسد باید نوع نگرش خود را تغییر دهیم تا با دیدگاه های نوینی در تحلیل مجازات آشنا شویم. رویکرد جامعه شناسانه با نگرستن به مجازات به عنوان یک پدیده اجتماعی که در طول حیات خود در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی در نوسان است، می تواند ابعاد جدیدی را به روی ما بگشاید.

جامعه شناسی مجازات پژوهش پیرامون نیروهای اجتماعی مؤثر در شکل گیری نظام کیفری و البته تأثیری را که مجازات متقابلاً بر جامعه دارد، مد نظر قرار می دهد. نیروهای اجتماعی همچون مذهب، سیاست، فرهنگ و غیره در جهت دهی مجازات ها و نظام کیفری به صورت مؤثری عمل می کنند. از منظر جامعه شناسی، مجازات از یک سو می تواند راهی برای شناخت ارزش های یک جامعه باشد و از سوی دیگر خود نیز در ارزش سازی مشارکت می کند. با رویکرد جامعه شناسی تلاش می شود تا به عوامل اجتماعی تغییر و تحول مجازات نیز توجه شود. بر طبق برخی رویکردهای جامعه شناسی، تغییرات در مجازات، نشان دهنده تحولات اجتماعی است. در همین راستا، تاریخ مجازات اعدام حاکی از آن است که افزایش و کاهش میزان استفاده از این مجازات بی ارتباط با وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه نیست. بر طبق رویکردهای جامعه شناسی، آنگاه که ارزش های اجتماعی در طول زمان به واسطه تغییراتی که ناشی از پیشرفت علم، تحول عادات و رسوم، حوادث سیاسی همچون انقلاب و جنگ و... تغییر پیدا می کنند، میزان و چگونگی اجرای مجازات نیز متحول می شود.

رویکرد تاریخی به مجازات اعدام در غرب حاکی از آن است که تا پیش از ظهور دولت، اعدام به صورت مخفیانه، بدون سروصدا و به دور از معرکه گیری صورت می گرفت. اما با پیدایش دولت، اعدام به عنوان یک امتیاز ویژه، به انحصار این نهاد در آمد و اعدام خصوصی (انتقام) ممنوع شد. این مجازات در ابتدا با توجه به خصیصه خشونت آمیزی که داشت، به قصد ایجاد شوک نسبت به مردم و ترساندن دشمنان مورد توجه قرار گرفت و بیشتر برای از بین بردن مخالفان قدرت و حکومت استفاده می شد. در واقع، اعدام همچون یک ترس دائمی و همیشگی در مقابل مجرمان سیاسی قرار داشت. همچنین، با توجه به اینکه ظرفیت ارتباطی دولت با عموم مردم محدود به ابزارهای کمی

مجرمان مواد مخدر. به عبارت دیگر، دادگاهی برای محاکمه مجرمان سیاسی بود. اما می‌بینیم که مجرمان مواد مخدر نیز به داسرا و دادگاه انقلاب فرستاده می‌شوند و از امکانات دادرسی کیفری (همچون محاکمه با تعدد قضات و تجدیدنظرخواهی مطابق با اصول کیفری) محروم می‌شوند. رسیدگی در دادگاه انقلاب نشان‌دهنده این مطلب است که مجرمان مواد مخدر در آن فضای امنیتی، هم‌سنگ مجرمان ضد انقلاب و ضد نظام تلقی می‌شدند و به همین دلیل مجازات‌های شدیدی برای آنان در نظر گرفته می‌شد.

تحقیقات و بررسی های صورت پذیرفته پرده از نیمه ی ناپیدای آثار اعدام بر افراد بی گناه برمی دارد که خود زادگاه صدها پدیده ی شوم اختلالات روانی و آسیب‌های اجتماعی است و در نهایت این جامعه است که تاوان این همه خسارات را می‌پردازد. هزینه ای که جامعه در قبال حذف یک فرد می‌دهد به مراتب بالاتر و وسیع تر از اهداف بازدارندگی اعدام است. گسیختگی خانواده ی اعدامی نه تنها فرد افراد خانواده را در معرض شدیدترین آسیب های اجتماعی قرار می‌دهد؛ بلکه مبدأ و مرکز ثقل آسیب به دیگر بخش های جامعه انتقال می‌دهد سخن از آثار اعدام بر خانواده محکوم علیه هیچگاه به صورت واقعی مورد توجه قرار نگرفته است. مجازاتی که در دل خود هزاران آسیب را به همراه دارد. تأثیر بر وضعیت اقتصادی، گرایش به ارتکاب بزه، افت وضعیت تحصیلی، ابتلاء به بیماری های روحی و روانی، وضعیت سرپرستی کودکان، گرایش به استعمال مواد مخدر و الکل، برچسب خوردگی و انزوای اجتماعی، همه و همه آثاری است که اعمال این مجازات بر خانواده ی محکوم علیه می‌گذارد و همه این بدی‌ها از اجرای مجازات اعدام متولد می‌شود. در نتیجه هرگونه تصمیم گیری برای تعیین نوع مجازات بایستی بر اساس این تحلیل ها صورت پذیرد و مقنن با بررسی همه جانبه و در حمایت حداکثری از فرد فرد جامعه

بود، مراسم اعدام به شکل تئاترگونه و برای نمایش عموم استفاده می‌شد (Garland, 2011: 36). اهداف سیاسی ای که مبنای اعدام بودند تا اواخر سده ۱۸ میلادی همچنان ادامه پیدا کردند، به گونه‌ای که در انگلستان سده ۱۸، این عقیده وجود داشت که «نظم دنیا وابسته به همین کشتار (اعدام) است» (Garland, 2011: 38).

اما به تدریج با تحولات اجتماعی و تغییر عملکرد نهادهای موجود در جامعه، مجازات مرگ به عنوان یک ضمانت‌اجرای کیفری و نه واکنشی سیاسی، تحمیل می‌شد. اعدام کیفری به سرعت جنبه اداری، رسمی و بروکراتیک به خود گرفت و در مکان‌های خاصی همچون زندان و به طور کلی در فضاهای کیفری اجراء می‌شد، نه مانند اعدام‌های حوزه‌های سیاسی (مانند اعدام مخالفان حکومت) که در میدان‌های بزرگ شهر اجراء می‌شدند (Garland, 2011: 30). بر طبق نظر اخیر، می‌توان گفت که پس از وقوع انقلاب‌ها، با توجه به اینکه حکومت جدید هنوز سروسامان نگرفته است، مجازات عمدتاً رنگ‌وبوی سیاسی به خود می‌گیرد و در تقابل با سران و وابستگان رژیم سابق شدت می‌یابد. در چنین فضایی، به دلیل اینکه مجرمان کیفری هم‌راستای مجرمان سیاسی تلقی و جزئی از «غیرخودی‌ها» شمرده می‌شوند، در دادگاه‌هایی یکسان دادرسی می‌شوند و مجازات‌هایی برابر با آنان را دریافت می‌کنند. سرگذشت اعدام قاچاقچیان مواد مخدر نیز بی‌شبهت به این فرایند نیست. توضیح آنکه یکی از نخستین نهادهایی که در راستای استقرار نظام تشکیل شد، کمیته‌های انقلاب اسلامی بود. مهم‌ترین وظیفه این کمیته‌ها، دستگیری و مجازات جنایتکاران رژیم سابق و ضد انقلاب‌ها بود. پس از آن، دادگاه‌های انقلاب اسلامی ایجاد شدند تا به محاکمه و مجازات سران رژیم پهلوی و ضد انقلاب‌ها پردازند (خدادادی، ۱۳۸۸: ۳). بنابراین، تشکیل دادگاه انقلاب برای محاکمه افراد ضد انقلاب بود، نه مجرمان عادی مانند

میان حذف مجرم از جامعه و پذیرش آثار و پیامدهای آن آگاهانه تصمیم بگیرد و میان بد و بدتر عاقلانه‌ترین راه برگزیند.

بر کسی پوشیده نیست که قانونگذار در جرائم مربوط به مواد مخدر سیاست سرکوبگری و تشدید مجازات را برگزیده است. بدون تردید انگیزه مقنن از اتخاذ چنین تدابیری، قباحت و سنگینی این جرائم و نیز خطرناک بودن آن‌ها به حال جامعه است در حالی که به نظر می‌رسد این سیاست کیفری بنا به دلایل متعددی راهگشا نیست و قانونگذار را به هدف خویش که پیشگیری از وقوع و یا تکرار جرم و اصلاح مجرمین است نمی‌رساند؛ به این دلیل که نفس وضع مجازات‌های سنگین بدون در نظر گرفتن علل و عوامل جرم و نیز اوضاع و احوالی که طی آن فردی مرتکب جرم شده است، کار معقول و صحیحی نیست و آنچه باعث ارباب بزهکاران و سایرین از ارتکاب و یا تکرار جرم است سرعت و قطعیت اجرای مجازات‌ها است؛ در این تحقیق نیز ثابت شده است که سنگین بودن مجازات‌ها و عدم اجازه اعمال نهادهای تعدیل‌کننده مجازات‌ها در مورد جرایم مواد مخدر چندان کارساز نبوده و مرتکبین این جرائم رو به افزایش است. به نظر می‌رسد بین سنگین بودن مجازات این جرائم و قباحت این عمل در نزد عرف مردم فاصله است. زیرا در برخی از جوامع کوچک استعمال مواد مخدر به عنوان یک عرف پذیرفته شده است. همچنین صرف اتخاذ تدابیر کیفری، کافی برای پیشگیری از وقوع جرم نیست بلکه همراه آن و یا حتی پیشتر از آن باید تدابیر غیرکیفری نیز توسط دولت به مفهوم وسیع کلمه اتخاذ گردد و از همه مهم‌تر اینکه به هیچ وجه اجازه مجازات افراد غیر مجرم داده نشود و تنوع و سنگینی مجازات جرایم مربوط به مواد مخدر صورتی است که گستره رنج آوری آن بی‌تردید از نظر اجتماعی و روان شناختی دامن خانواده مجرم را نیز می‌گیرد. با این اوصاف ضرورت دارد مقنن به آسیب‌های اجتماعی

ناشی از اجرای حکم اعدام بر خانواده مرتکبین و همچنین تأثیرات غیر قابل انکار مجازات اعدام بر خانواده معدومین توجه جدی نماید و از آخرین یافته‌های علوم تجربی و علوم انسانی برای تحول در این رویکرد بهره بگیرد.

#### منابع و ماخذ

- احمدی، حبیب، جامعه شناسی انحرافات، تهران، سازمان سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱.
- احمدی، حبیب؛ جامعه شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- امیر علایی، شمس الدین، مجازات اعدام، انتشارات دهخدا، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.
- ایور رابرتسن و راشل برت، کاهش بار مجازات اعدام پدر یا مادر برای فرزندان، دفتر کوپکر در سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳.
- آنسل، مارک، مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۱، ص ۱۳۳.
- خدادادی، محمداسماعیل. (۱۳۸۸). «نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از پیدایی تا استقرار کامل»، فصلنامه مطالعات انقلاب سلامی، سال ششم.
- خزانی، منوچهر، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلا، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴.
- راب وایت، فیونا هینز، جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم، قم، ۱۳۹۲.
- رحمدل، منصور، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۲۵، ۱۳۸۵، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۷). آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کاربردی، چاپ پنجم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار.

زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۱۱  
 ساکی، محمدرضا، جرائم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین الملل، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰.  
 سلیمی، علی و داوری، محمد؛ جامعه شناسی کنجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.

Impact On Death Row Defendants Families Members As a Mitigating Factor In Death Penalty, 1999.

King, Rachel & Norgard, Ketherine, What About Our Families? Using The Impact On Death Row Defendants Families Members As a Mitigating Factor In Death Penalty, 1999

Sharp, Susan, Hidden Victim: The Effect Of Death Penalty On Families Of The Accused, 2005.

siegel, Larry J., criminology, westwadsworth, publishing, Eleventh edition, 2012.

Garland, D. (2011). "Modes of Capital Punishment: The Death Penalty in Historical Perspective", *America's Death Penalty: Between Past and Present*.

Garland, D. (2012). Punishment and social solidarity. *The SAGE Handbook of Punishment and Society*. London: SAGE.

صديق سروستانی، رحمت‌الله؛ آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، ۱۳۸۹.

صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶، ص ۹۴

فرانکپی، ویلیامز، ماری لین دین؛ نظریه‌های جرم‌شناختی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۹.

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۴.

مسائلی، امین، تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۹۵، صص ۲۵-۲۴

معظمی، شهلا؛ بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۹

میر محمد صادقی، حسین، کنکاشی در تأثیر اربعی مجازات اعدام، مجله دادرسی (ماهنامه حقوقی، فرهنگی و اجتماعی سازمان قضایی نیروهای مسلح)، ۱۳۸۲، ص ۵.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم شناسی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ «تقریرات جامعه‌شناسی جنایی»، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۹۱.

نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ تقریرات جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۷۳.

نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۸، ص ۳۷۵.

#### یادداشت‌ها

<sup>1</sup> HOWARD BECKER  
<sup>2</sup> Labelling theory  
<sup>3</sup> Stigmatization  
<sup>4</sup> John Bowlby  
<sup>5</sup> David matza  
<sup>6</sup> travis Hirschi  
<sup>7</sup> Control theories  
<sup>8</sup> Attachment  
<sup>9</sup> commitment  
<sup>10</sup> involvement